

واکاوی سه دوره تاریخی که اجازه نداد کمر اقتصاد بشکند

استدلال‌های واهی برای توسعه‌نیافتگی

سیدمحمد بحرینیان . صنعتگر و پژوهشگر توسعه

اکرم زین‌الیان . کارشناس ارشد اقتصاد

امروز کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی وضعیت چندان خوشی ندارد. سال‌هاست که تصمیم‌گیران کشور برای توجیه وضعیت توسعه‌نیافتگی، در پشت استدلال‌های مختلفی از جمله دو استدلال «کمبود منابع مالی» و «عدم فضای مناسب برای فعالیت» پنهان شده‌اند. تکیه بر این دو استدلال در سال‌های گذشته باعث شده واقعیت‌های موجود در بطن اقتصاد کشور نادیده گرفته شود و نتوانیم ریشه مشکلات و مصائب را شناسایی و برای خروج از این وضعیت، راه‌حل‌های صحیح و کاربردی ارائه دهیم.

با بررسی آمار در دسترس در کشور مشاهده می‌شود حداقل هیچ‌یک از این دو استدلال برای توجیه توسعه‌نیافتگی صحت ندارد، چراکه نه با کمبود منابع روبه‌رو بوده‌ایم و نه شرایط حاکم می‌توانسته از اقدام‌های عملی و توسعه‌ای تصمیم‌سازان دارای اهلیت حرفه‌ای در کشور ممانعت به عمل آورد. دفتر پژوهش‌های اقتصاد و توسعه اتاق مشهد در گزارشی با عنوان «موردکاوی منابع ارزی در دسترس کشور» به طور کامل به رد استدلال نخست یعنی وجودنداشتن کمبود منابع پرداخته است. حال در این گزارش، با شواهد موجود از منابع رسمی آماری نشان داده می‌شود که استدلال دوم نیز صحت ندارد و آنچه ما را از دستیابی به توسعه محروم کرده، «ضعف دانش کاربردی»، «پیدایش نامولدان ذی‌نفع داخلی و خارجی»، «عدم اهلیت حرفه‌ای تصمیم‌گیران اقتصادی» و... بوده، در حالی که برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در کشور قدمتی ۷۰ساله دارد.

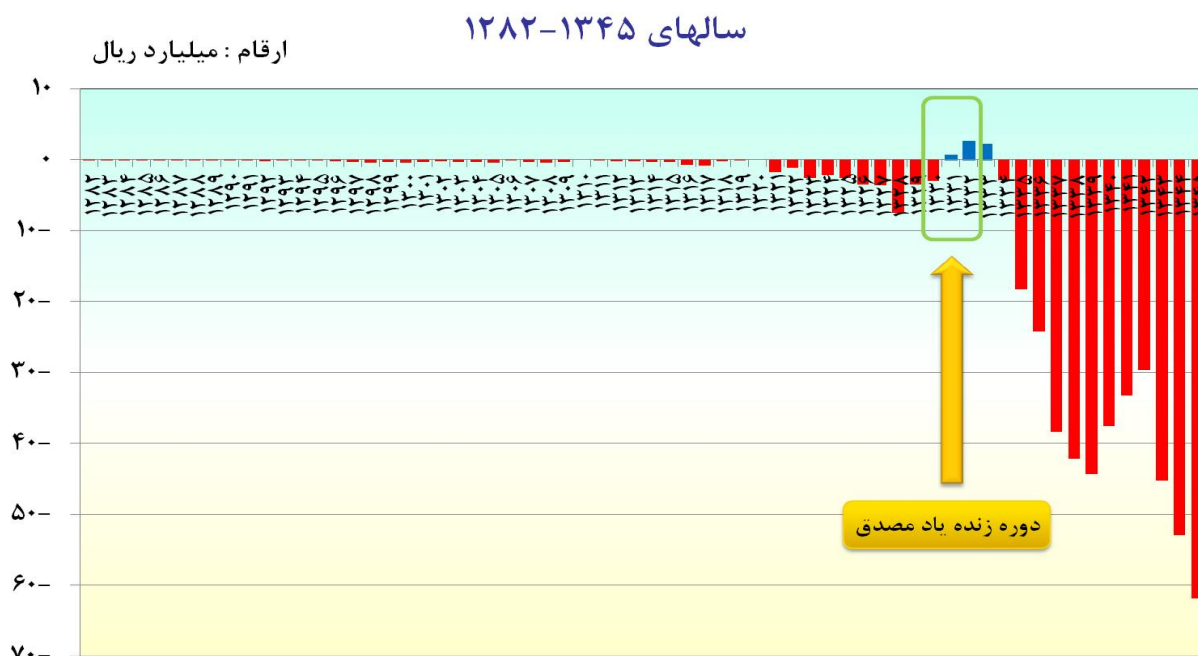
در بررسی آسیب‌شناسی اقتصاد ایران به این نکته مهم می‌رسیم که روند حرکت به سوی توسعه در ایران، همواره یک حرکت پیوسته و رو به رشدی نبوده و فرایند این حرکت در چند مقطع خاص با تصمیم‌سازی‌های نسبتاً خوب توسعه‌ای همراه بوده است. هرچند به همان دوران نسبتاً خوب نیز نقدهایی وارد است، چراکه اساساً کشور در نظریات کاربردی توسعه دچار ضعف است و تصمیم‌سازان در اکثر مقاطع، دانش و درک عمیقی نسبت به این مباحث نداشته‌اند.

بررسی آمارهای رسمی در دسترس نشان می‌دهد که در سه دوره زمانی مختلف، به‌کارگیری افرادی که از نظر تصمیم‌سازی دارای اهلیت حرفه‌ای بوده‌اند، با ضعف‌های موجود در سیستم حاکم، منجر به دستاوردهای قابل توجهی برای اقتصاد کشور شده است؛ به گونه‌ای که اگر امروز مشاهده می‌شود کمر اقتصاد خم شده اما نمی‌شکند، مدیون مدیران آن سه دوره هستیم که سنگ‌بناهای اولیه را برای توسعه کشور پایه‌گذاری کردند. این سه دوره به دوران زنده‌یاد دکتر محمد مصدق، وزارت دکتر علینقی عالیخانی و جنگ تحمیلی باز می‌گردد که در ادامه به دستاوردهای این سه دوره اشاره خواهد شد.

دوره دکتر محمد مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۰):

از آمارهای در دسترس متعلق به دوران دکتر مصدق، آمار ارزش ریالی مبادلات خارجی است که بررسی این آمار، حقایق بسیار جالبی را برای ما روشن می‌کند. براساس داده‌های ارائه‌شده توسط مرکز آمار ایران، در بررسی آمار بیش از صد سال اخیر مبادلات خارجی که نفت به اقتصاد ایران ورود کرد، موازنه ارزش ریالی بدون احتساب مواد نفتی نشان می‌دهد که کشور صرفاً در یک دوره سه‌ساله شاهد تراز واقعی و حقیقی تجاری مثبت بدون نفت بوده که دو سال آن متعلق به دوره دکتر مصدق و یک سال دیگر به سال پس از رفتن ایشان مربوط می‌شود که اثرات این تصمیم‌گیری‌ها بر اقتصاد همچنان ادامه داشته و بعد از این مدت، کشور در هیچ زمان دیگری شاهد تراز تجاری مثبت بدون نفت نبوده است (نمودار شماره ۱). حقیقت دیگری که باید عمیقاً به آن توجه کرد، دستیابی تحسین‌برانگیز به متوسط تورم ۸٫۲ درصدی این دوران است، آن هم درحالی که تحریم‌هایی بسیار شدید و جدی، بر اثر ملی‌شدن صنعت نفت، توسط انگلیس بر ایران تحمیل شد.

نمودار شماره ۱- موازنه ارزش ریالی مبادلات خارجی بدون احتساب مواد نفتی در کشور



منبع : مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۴۵، بخش بازرگانی خارجی، ارزش مبادلات خارجی کشور، جدول ۲۴

اما این دستاورد بسیار مهم با کاهش شدید صادرات نفتی و رشد بیش از سه‌برابری ارزش ریالی صادرات غیرنفتی در سه سال دوره تصمیم‌سازی ایشان و همچنین کاهش شدید واردات معافی - واردات معافی را نهادها و شرکت‌ها انجام می‌دادند و از پرداخت عوارض گمرکی معاف بودند، از جمله شرکت نفت انگلیس - و غیرمعافی روبه‌رو شد؛ به گونه‌ای که در دوره سه‌ساله پس از دکتر مصدق (سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۳۵)، این دستاورد با ولنگاری در افزایش واردات معافی و غیرمعافی، عدم رشد و تغییر در صادرات غیرنفتی و بازگشت دوباره درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور بر باد رفت و حتی با احتساب درآمدهای نفتی نیز تراز تجاری کشور منفی شد و با ادامه همین روند، در اواخر دهه ۳۰ کشور به مرز ورشکستگی و کاهش چشمگیر در ذخایر ارزهای خارجی رسید و علت آن اوضاع چیزی جز سهل‌انگاری مالی و ریخت‌وپاش منابع برای اهداف غیرتولیدی نبود. آنچه در این سال‌ها رونق یافت، مصرف کالاهای اقساطی، خانه‌های مجلل، دلالی در حوزه مستغلات و افزایش هزینه‌های جاری حکومت بود. (جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۲)

جدول شماره ۱ - ارزش ریالی مبادلات خارجی کشور سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۳۹
ارقام: هزار میلیارد ریال

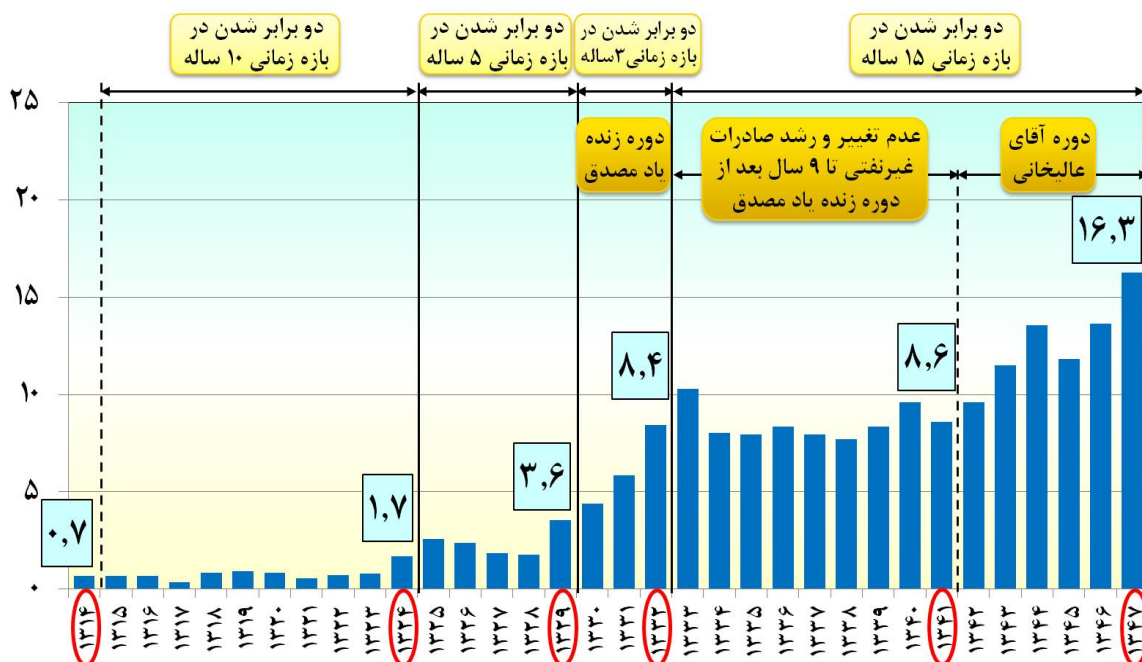
سال	واردات			صادرات			موازنه ارزش بدون احتساب مواد نفتی	موازنه ارزش با احتساب مواد نفتی
	کل واردات	واردات غیر معافی	واردات معافی	کل صادرات	بدون مواد نفتی	صادرات مواد نفتی		
۱۳۲۰	۷۹۱۰۹۶	۶۱۳۰۸۵۴	۱۷۷۰۲۴۲	۱۰۸۳۶۰۹۰	۸۲۵۵۷۲	۱۰۱۱۰۳۷	۳۴۰۴۷۶	۱۰۴۵۰۸۱۳
۱۳۲۱	۲۳۹۴۰۱۵۳	۱۰۳۱۳۹۱۱	۱۰۰۸۰۲۴۲	۴۰۵۲۰۹۳۰	۵۷۰۲۵۸	۳۴۸۲۰۶۷۲	-۱۰۸۲۳۰۹۵	۱۰۶۵۸۰۷۷۷
۱۳۲۲	۱۰۸۸۶۴۲۷	۱۰۵۲۷۲۳۴	۳۵۹۰۱۹۳	۳۰۹۸۶۵۹۳	۷۰۹۰۵۸	۳۰۲۷۷۰۵۲۵	-۱۰۱۷۷۰۳۵۹	۲۰۱۰۰۱۶۶
۱۳۲۳	۳۰۳۵۵۵۶۳	۲۰۹۵۶۰۷۸۹	۳۹۸۰۷۷۴	۴۰۷۱۷۰۸۸۶	۷۹۹۳۱۴	۳۰۹۱۷۰۷۷۲	-۲۰۵۵۶۰۲۴۹	۱۰۳۶۱۰۵۲۳
۱۳۲۴	۳۰۸۶۵۰۹۷۸	۳۰۱۰۶۰۶۰۱	۷۵۹۰۳۷۷	۷۰۳۱۶۰۷۵۶	۱۰۷۰۷۰۵۵۸	۵۶۱۱۰۶۹۸	-۲۰۱۵۸۰۹۲۰	۳۰۴۵۲۰۷۷۸
۱۳۲۵	۵۰۲۲۷۰۸۱۰	۴۰۱۱۴۰۸۴۴	۱۰۱۱۲۰۹۶۶	۱۰۰۶۳۷۰۹۹۷	۲۰۵۸۸۰۵۳۰	۸۰۴۹۰۴۶۷	-۲۰۶۳۹۰۲۸۰	۵۰۴۱۰۱۸۷
۱۳۲۶	۵۰۸۷۸۰۲۵۵	۴۰۷۰۵۵۳۷	۱۰۱۷۲۰۷۱۷	۱۲۰۴۳۹۰۵۷۹	۲۰۳۶۰۳۷۶	۹۰۹۳۰۲۰۳	-۳۵۱۱۰۸۷۸	۶۰۴۸۱۰۳۲۵
۱۳۲۷	۵۰۴۸۰۱۰۵۴	۴۰۲۱۸۰۷۱۸	۱۰۲۶۱۰۳۸۷	۱۹۰۰۶۰۸۶۰	۱۰۸۶۰۷۹۱۴	۱۷۰۱۴۰۰۶۳	-۳۰۶۱۳۰۳۰۸	۱۳۰۵۲۰۷۵۵
۱۳۲۸	۹۰۳۰۰۳۲۸	۶۰۷۸۶۰۲۹۹	۲۰۵۳۴۰۲۹	۱۷۰۱۷۴۰۷۸۹	۱۰۷۸۵۰۴۴۰	۱۵۳۸۹۰۳۴۹	-۷۰۵۳۴۰۸۸۸	۷۰۸۵۴۰۴۶۱
۱۳۲۹	۷۰۱۰۸۰۹۸۶	۶۰۲۴۴۰۴۰۲	۸۶۶۰۵۸۴	۲۵۰۷۴۷۰۲۷۵	۳۰۵۲۰۸۷۲	۲۲۰۱۴۰۴۰۳	-۳۰۵۴۶۰۱۱۴	۱۸۰۶۳۸۰۲۸۹
۱۳۳۰	۷۰۴۰۴۰۷۸۸	۷۰۱۰۷۰۹۴	۳۹۳۰۹۹۴	۱۱۰۲۳۳۰۷۲۲	۴۳۹۰۰۸۲۸	۶۰۸۴۲۰۵۴۴	-۳۰۱۳۰۹۶۰	۳۰۸۲۸۰۵۸۴
۱۳۳۱	۵۰۲۰۶۰۱۴۸	۵۰۳۱۰۳۹۴	۱۷۴۰۷۵۴	۵۰۸۴۳۰۱۵۶	۵۰۸۳۱۰۵۲۸	۱۱۰۶۲۸	۶۲۵۳۸۰	۶۳۷۰۰۰۸
۱۳۳۲	۵۰۷۵۶۰۴۵۵	۵۰۳۲۴۰۲۶۶	۴۳۲۰۱۸۴	۸۰۶۸۸۰۷۵۱	۸۰۴۲۵۰۶۳۲	۲۶۳۰۱۱۹	۲۰۶۶۰۱۸۲	۲۰۹۳۲۰۳۰۱
۱۳۳۳	۸۰۲۴۰۱۱۹	۷۰۴۲۵۰۱۵	۵۹۹۰۱۰۴	۱۲۰۲۹۶۰۳۵۸	۱۰۰۲۸۸۰۱۷۱	۲۰۰۰۸۰۱۸۷	۲۰۲۶۴۰۰۵۲	۴۰۲۷۲۰۲۳۹
۱۳۳۴	۱۰۰۸۹۶۰۳۳۴	۹۰۱۲۵۰۴۳۶	۱۰۷۰۵۰۸۹۸	۱۷۰۴۳۸۰۹۱۱	۸۰۰۳۳۰۷۲۶	۹۰۴۰۵۰۱۸۵	-۲۰۸۶۰۲۶۰۸	۶۰۵۴۲۰۵۷۷
۱۳۳۵	۲۶۰۲۰۲۲۳۰	۲۰۰۰۸۰۲۸۸	۶۰۱۲۰۰۹۴۲	۲۳۰۸۳۰۴۶۹	۷۰۹۳۰۶۱۰	۱۵۰۹۰۸۰۸۵۹	-۱۸۰۲۷۰۱۶۲۰	-۲۰۳۶۰۷۶۱
۱۳۳۶	۳۰۲۰۸۰۹۵۶	۲۵۰۲۹۰۳۴۲	۲۰۳۷۰۹۶۱۴	۲۷۰۶۵۰۶۹۰	۸۰۳۵۰۲۹۲۲	۱۹۰۲۹۷۰۷۶۸	-۲۴۰۲۵۶۰۳۴	-۴۰۹۵۸۰۶۶۶
۱۳۳۷	۴۶۰۳۵۰۱۷۲۳	۳۳۰۴۵۸۰۲۶۰	۱۲۰۸۹۳۰۴۷۲	۳۰۰۸۰۰۰۰۸۶	۷۰۹۶۰۶۱۵	۲۲۰۸۵۹۰۴۷۱	-۳۸۰۴۱۱۱۱۷	-۱۰۵۵۱۰۶۴۶
۱۳۳۸	۴۹۰۸۴۴۰۳۹۵	۴۱۰۶۳۰۱۳۵	۸۰۲۱۴۰۲۶۰	۵۷۰۱۵۰۰۸۲۸	۷۰۷۰۱۰۱۰۶	۴۹۰۴۴۹۰۸۱۲	-۴۲۰۱۴۳۰۳۷۹	۷۰۳۰۶۰۴۳۳
۱۳۳۹	۵۲۰۶۵۷۰۱۳۹	۴۴۰۸۲۴۰۶۴۵	۷۰۸۳۲۰۶۹۴	۶۱۰۷۵۰۰۴۷۳	۸۰۳۳۰۰۵۹۸	۵۳۰۳۹۰۵۹۸	-۴۴۰۲۹۷۰۲۶۴	۹۰۰۹۳۰۳۳۴

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۴۵، بخش بازرگانی خارجی، ارزش مبادلات خارجی کشور، جدول ۲۴
موازنه ارزش بدون احتساب مواد نفتی= صادرات بدون مواد نفتی منهای کل واردات
موازنه ارزش با احتساب مواد نفتی= کل صادرات (صادرات مواد نفتی و بدون مواد نفتی) منهای کل واردات

نمودار شماره ۲ - ارزش ریالی صادرات بدون مواد نفتی و دوره های دو برابر شدن آن به قیمت جاری

سالهای ۱۳۱۴-۱۳۴۷

ارقام: میلیارد ریال



منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور سال ۱۳۴۵ و ۱۳۴۷، بخش بازرگانی خارجی، ارزش مبادلات خارجی، جدول ۲۴ و ۱۹

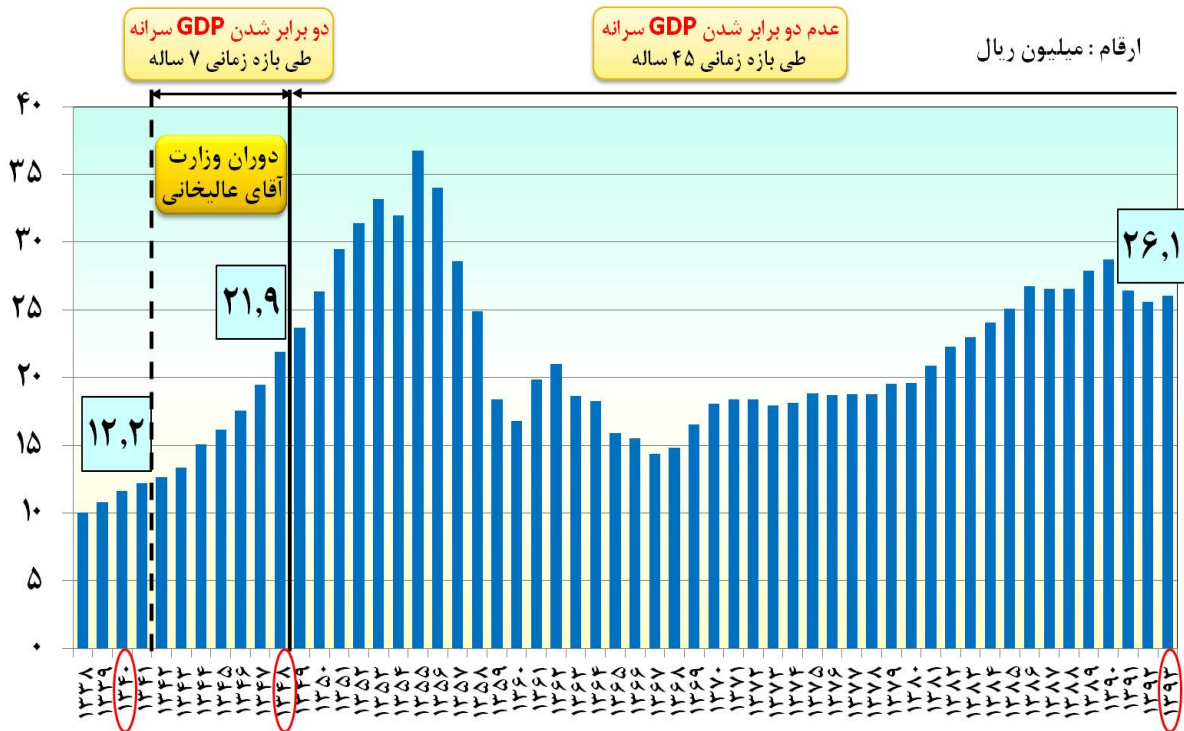
دوره وزارت دکتر علینقی عالیخانی (۱۳۴۸-۱۳۴۱):

پس از کسب نتایج قابل افتخار در دوره دکتر مصدق، دوره دیگری که در اقتصاد کشور نتایج درخشانی به دست آمد، متعلق به دوران دکتر علینقی عالیخانی در سمت وزیر اقتصاد (بهمن ۱۳۴۱ تا مرداد ۱۳۴۸) است.

بررسی آمار رشد اقتصادی در دوران مسئولیت ایشان بر وزارت اقتصاد نشان می‌دهد که در این دوره متوسط سالانه رشد اقتصادی و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی با استفاده از میانگین حسابی به ترتیب ۱۲ و ۸٫۸ درصد بوده و سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، فقط برای یکبار در دوره هفت‌ساله ایشان تقریباً دوبرابر شده و در حدود ۴۵ سال پس از پایان مسئولیت دکتر عالیخانی بر وزارت اقتصاد، دیگر هیچ‌وقت شاهد دوبرابر شدن سرانه تولید ناخالص داخلی در کشور نبوده‌ایم (نمودار شماره ۳).

نمودار شماره ۳- سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت ۱۳۸۳ و دو برابر شدن آن در ایران

سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۳

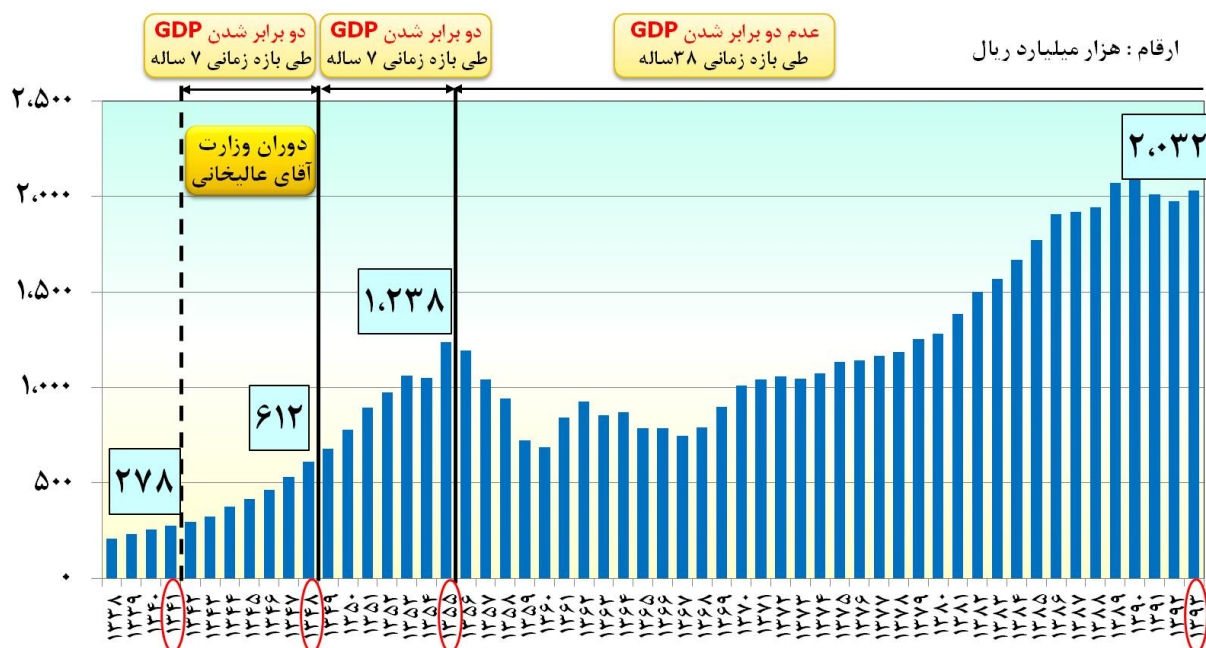


منبع: ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری های زمانی، بخش حسابهای ملی (سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۳)
 ۲- مرکز آمار ایران، داده‌ها و اطلاعات آماری، جمعیت و نیروی کار، جمعیت، برآورد تعداد کل جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵-۱۳۹۵

اگر به جای سرانه تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی بررسی شود، مشاهده می‌شود که تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در دوره هفت‌ساله ایشان نیز بیش از دوبرابر شده و در یک دوره هفت‌ساله دیگر (۱۳۴۹-۱۳۵۵) بعد از پایان این دوره هم شاهد دوبرابر شدن تولید ناخالص داخلی بوده‌ایم، اما در بازه زمانی ۳۸ ساله پس از آن، دیگر تولید ناخالص داخلی در کشور دوبرابر نشده است (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴- تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت ۱۳۸۳ و دو برابر شدن آن در ایران

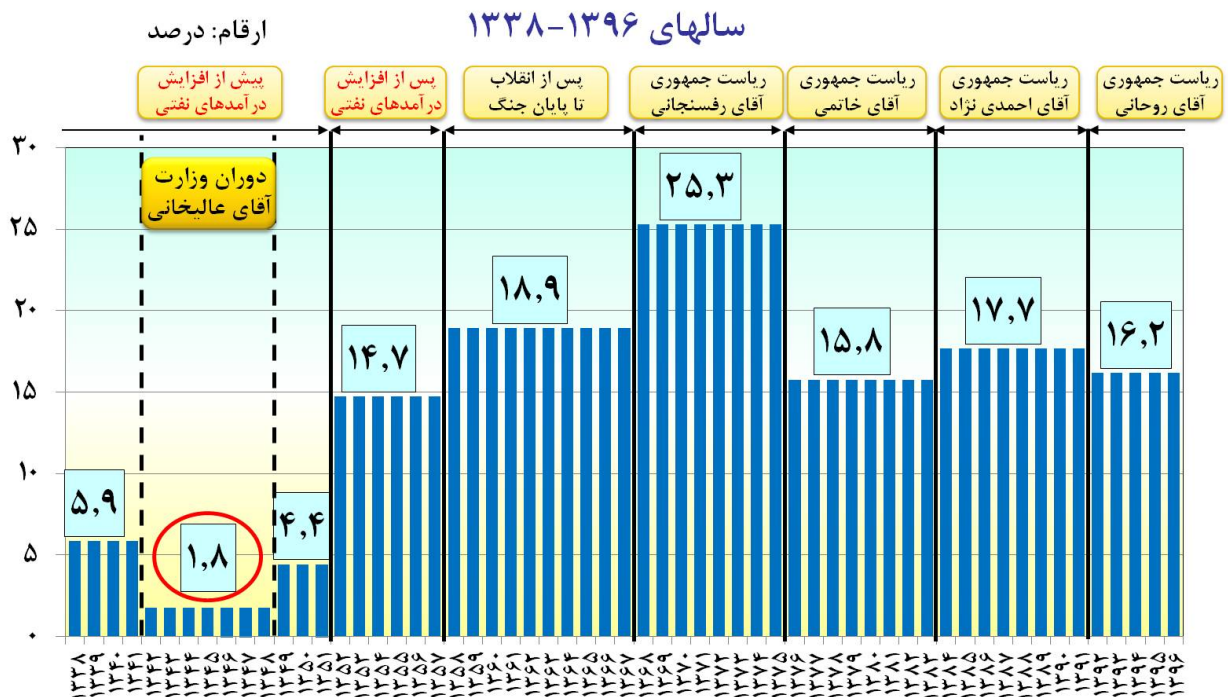
سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۳



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری های زمانی، بخش حسابهای ملی (سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۳)

علاوه بر کسب رشدهای اقتصادی بالا و دوبرابر شدن تولید ناخالص داخلی و سرانه آن در دوره دکتر عالیخانی، آمار متوسط سالانه تورم در کشور نشان می‌دهد که کمترین میزان تورم متعلق به دوره ایشان بوده و در کل در این دوران، کشور - با وجود نقدهایی که بر این دوران نیز وارد می‌دانیم که در جای خود به آن خواهیم پرداخت- توانسته به نتایج قابل قبولی در زمینه اقتصاد دست یابد (نمودار شماره ۵).

نمودار شماره ۵- متوسط تورم کالاها و خدمات مصرفی بر اساس میانگین حسابی در ایران



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و داده‌ها، آمارهای اقتصادی، سری زمانی شاخص کالاها و خدمات مصرفی (شاخص تورم) (سالهای ۹۶-۱۳۱۵)

برای اینکه بتوان تصویر بهتری از روند رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در کشور با دیگر کشورهایی که به تازگی به جمع کشورهای توسعه‌یافته پیوسته‌اند داشت، می‌توان روند دوبرابر شدن سرانه تولید ناخالص داخلی ایران را با کشورهایمانند چین یا کره جنوبی مورد مقایسه قرار داد.

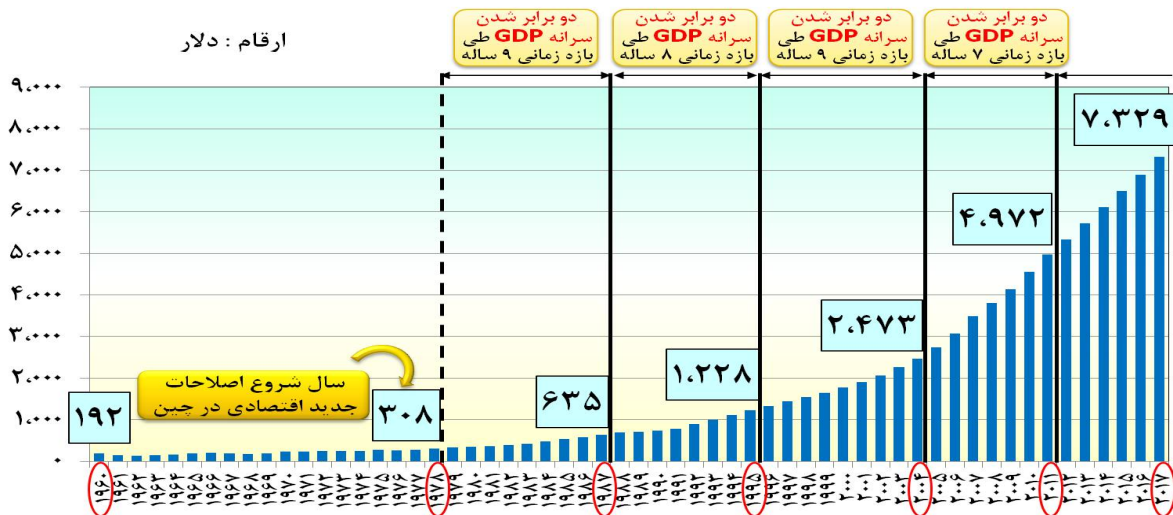
با استفاده از آمار سرانه تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت بانک جهانی، بر اساس نمودارهای شماره ۶ و ۷ مشاهده می‌شود که چین و کره جنوبی با چه سرعتی توانسته‌اند در بازه‌های زمانی کوتاهی، سرانه تولید ناخالص داخلی خود را در دوره‌های متوالی دوبرابر کنند؛ به‌گونه‌ای که این دو کشور هر یک به‌ترتیب در یک بازه زمانی ۳۳ و ۴۱ ساله توانسته‌اند چهاربار سرانه تولید خود را دوبرابر کنند. اما در ایران پس از پایان مسئولیت دکتر عالیخانی بر وزارت اقتصاد تا به امروز سرانه تولید ناخالص داخلی دوبرابر نشده است. این موضوع می‌تواند ناشی از عدم انباشت سرمایه در بخش‌های تولیدی و کل اقتصاد کشور باشد که در نبود برنامه‌ای هدفمند برای توسعه صنعتی و اقتصادی و قراردادن پایه‌های موتور خلق ثروت بر فعالیت‌های نامولد و پاداش‌دهی به این نوع فعالیت‌ها - به‌جای فعالیت‌های مولد واقعی - رشدهای بسیار پایین، ناپایدار و کاهنده‌ای را سبب شده است. بررسی روند تغییرات رشد اقتصادی نیز نشان می‌دهد که کشور دوره‌به‌دوره با افت متوسط سالانه رشد اقتصادی روبه‌رو بوده است. ۱

همچنین بررسی ارقام مربوط به روند تحول موجودی سرمایه در بخش صنعت ایران و کره جنوبی به خوبی بیان‌کننده عدم انگیزه لازم توسط دولت‌ها برای سرازیر کردن منابع و سرمایه‌ها به سوی تولید در ایران و در نقطه مقابل انگیزه بالا برای سرمایه‌گذاری در تولید در کشورهایمانند کره جنوبی است. بر اساس نمودار شماره ۸ ملاحظه می‌شود که در ایران پس از یک بازه زمانی سه‌ساله (۱۳۵۶-۱۳۵۴) که موجودی سرمایه بخش صنعت دوبرابر شده، یک بازه زمانی ۲۷ ساله نیز طی شده تا مجدداً موجودی سرمایه این بخش دوبرابر شود. اما در کره جنوبی در بازه‌های زمانی بسیار کوتاه و متوالی، شاهد دوبرابر شدن موجودی سرمایه بخش صنعت هستیم (نمودار شماره ۹)؛ به‌گونه‌ای که در کره جنوبی در یک بازه زمانی ۳۴ ساله شش‌بار و

در ایران در یک بازه زمانی ۳۰ ساله، صرفاً دوبار موجودی سرمایه بخش صنعت دوبرابر شده است. این به آن معناست که ما با روند بسیار کند و آهسته تبدیل و تغییر شکل دارایی‌های راکد و منابع مالی سرگردان به سرمایه‌های تولیدی در کشور روبه‌رو هستیم.

نمودار شماره ۶- سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت ۲۰۱۰ و دو برابر شدن آن در چین

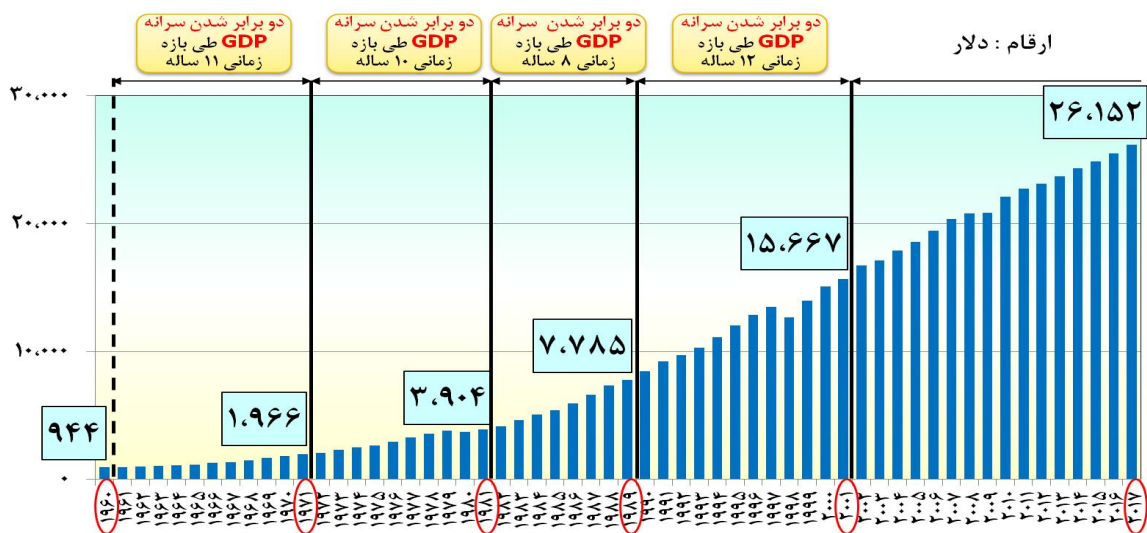
سالهای ۱۹۶۰-۲۰۱۷



منبع : بانک جهانی <http://data.worldbank.org/indicator> World Bank, World Data Bank, World Development Indicators, Nov. 2018,

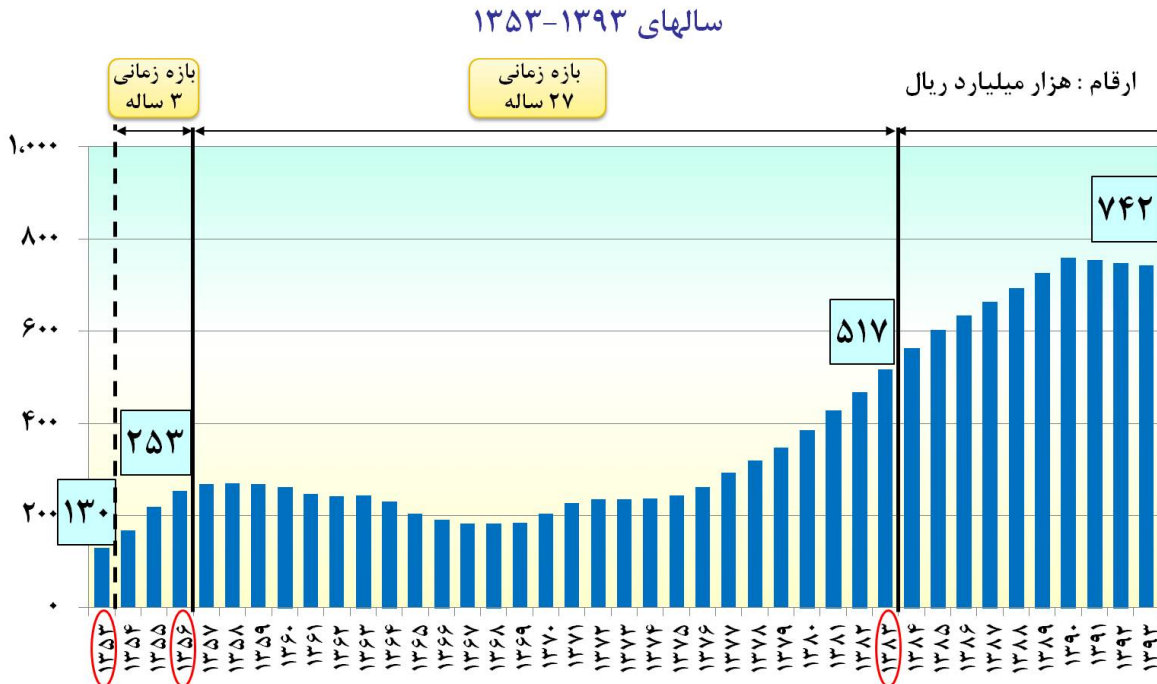
نمودار شماره ۷- سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت ۲۰۱۰ و دو برابر شدن آن در کره جنوبی

سالهای ۱۹۶۰-۲۰۱۷



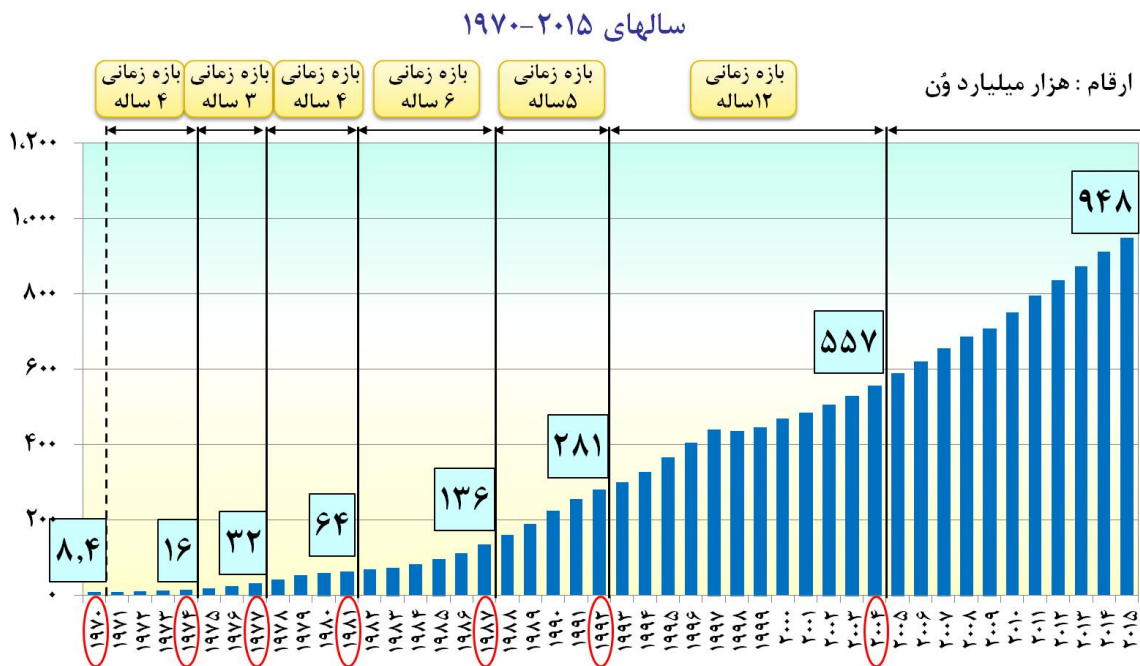
منبع : بانک جهانی <http://data.worldbank.org/indicator> World Bank, World Data Bank, World Development Indicators, Nov. 2018,

نمودار شماره ۸- موجودی سرمایه خالص بخش صنعت به قیمت ثابت ۱۳۸۳ و دو برابر شدن آن در ایران



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و داده ها، حساب های ملی ایران، موجودی سرمایه، موجودی سرمایه اقتصاد ایران به قیمت ثابت ۱۳۸۳ (سالهای ۱۳۵۳-۱۳۹۳)

نمودار شماره ۹- موجودی سرمایه خالص بخش صنعت به قیمت ثابت ۲۰۱۰ و دو برابر شدن آن در کره جنوبی

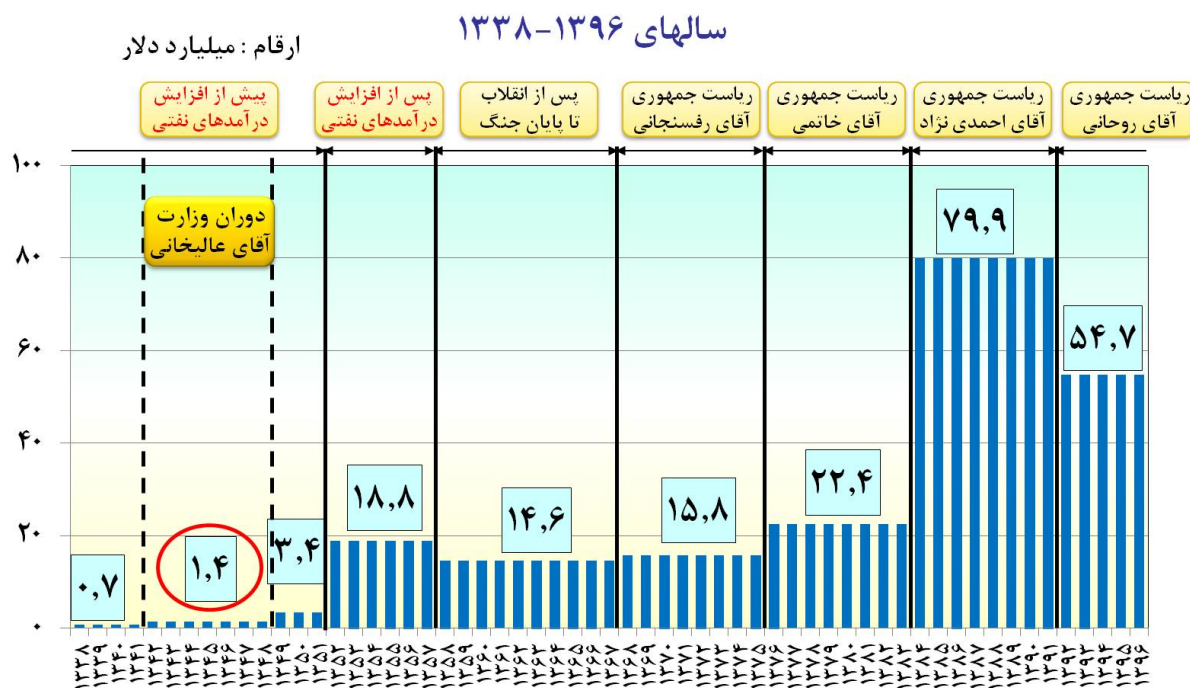


<http://stats.oecd.org>

منبع:

اما دستاورد دوران وزارت دکتر عالیخانی هنگامی قابل تأمل تر است که متوسط سالانه درآمدهای ارزی نفتی در دوران مختلف محاسبه شود. بر اساس نمودار شماره ۱۰ مشاهده می‌شود که در دوره هفت‌ساله دکتر عالیخانی، متوسط سالانه درآمدهای نفتی ۱,۴ میلیارد دلار بوده است، در حالی که در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ و ۱۳۹۶-۱۳۹۲ کشور به طور متوسط سالانه با درآمدهای ارزی نفتی ۷۹,۷ و ۵۴,۷ میلیارد دلاری روبه‌رو بوده است. این موضوع خود می‌تواند نفی‌کننده استدلال «کمبود منابع» باشد که سال‌ها با استفاده از آن، ضعف دانش و عدم اهلیت حرفه‌ای تصمیم‌سازان را پشت آن پنهان کرده‌ایم.

نمودار شماره ۱۰- متوسط سالانه منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز در ایران



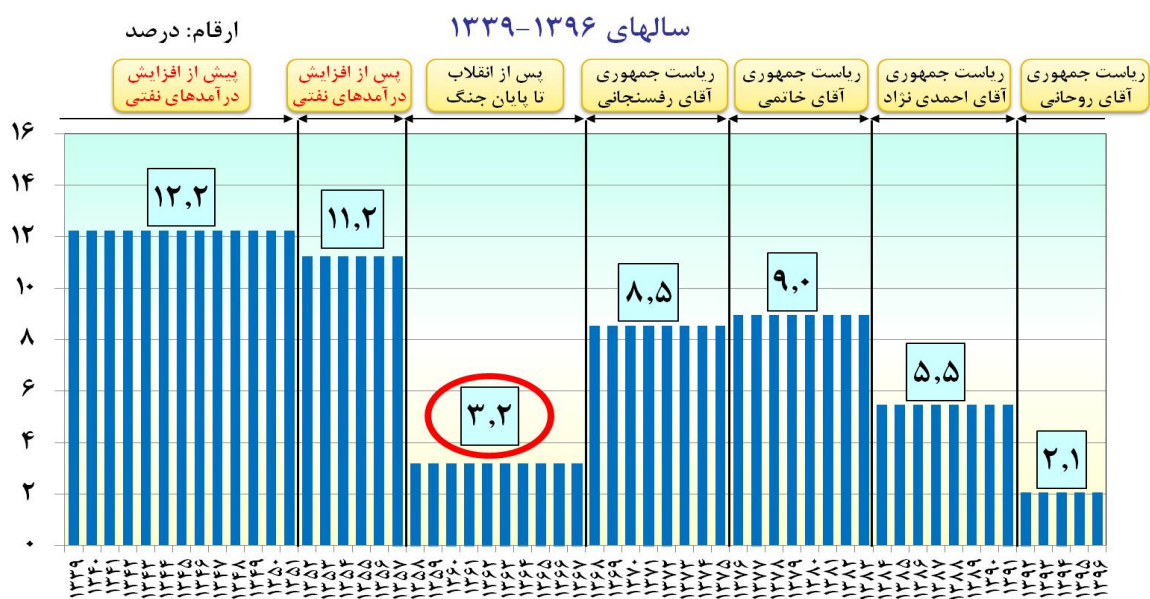
منبع : ۱- مرکز آمار ایران. پایگاه اطلاعات نشریات. سالنامه آماری سال های ۱۳۴۵، ۱۳۴۸ و ۱۳۵۳. بخش موازنه پرداخت ها (سالهای ۱۳۵۱-۱۳۳۴)
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۴) سالهای ۱۳۷۵-۱۳۵۲
 ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، بانک اطلاعات سری های زمانی اقتصادی، بخش خارجی (موازنه پرداختها، استاندارد شماره ۵) سالهای ۱۳۹۶-۱۳۷۶

دوران جنگ تحمیلی

از دیگر دوران قابل تحسین در اقتصاد کشور، می‌توان به دوران جنگ تحمیلی اشاره کرد. از جمله دستاوردهای مثبت این دوران که می‌توان آن را ماحصل سرمایه بالای اجتماعی دانست، متوسط رشد مثبت ۳,۲ درصدی ارزش افزوده بخش صنعت، با وجود متوسط رشد منفی هم‌زمان دو بخش ساختمان و خدمات (هر یک به ترتیب ۶,۴- و ۳,۷- درصد)، رشد بالای تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات بخش خصوصی (در حالی که هم تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات و ساختمان بخش دولتی و هم تشکیل سرمایه در بخش ساختمان بخش خصوصی منفی بوده که این نکته کاملاً قابل تأمل است) و کاهش واردات کالاهای مصرفی است (نمودارهای شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۳). این دستاوردها نشان از آن دارد هنگامی که سرمایه اجتماعی و اعتماد در کشور بالا بوده و اعتماد به دولت‌ها به وجود می‌آید - مانند دو دوره ذکر شده پیشین - اکثریت تولیدکنندگان واقعی صنعتی، شانه زیر بار مسئولیت داده و می‌توانند در جهت منافع ملی کشور تحولات اساسی به وجود آورند. اما بسیاری از دولت‌ها پس از عبور از مشکلات و معضلات و دستیابی به درآمدهای بالای نفتی، نخستین بخشی را که از یاد می‌برند، صنعتگران و تولیدکنندگان واقعی بوده؛ به گونه‌ای که از این طریق پایه‌های استقلال کشور را نیز به تزلزل می‌اندازند؛ کمالینکه به تدریج پس از پایان جنگ همین رویه در پیش گرفته شد. پس از کسب نتایج قابل قبول در دوران جنگ از سوی

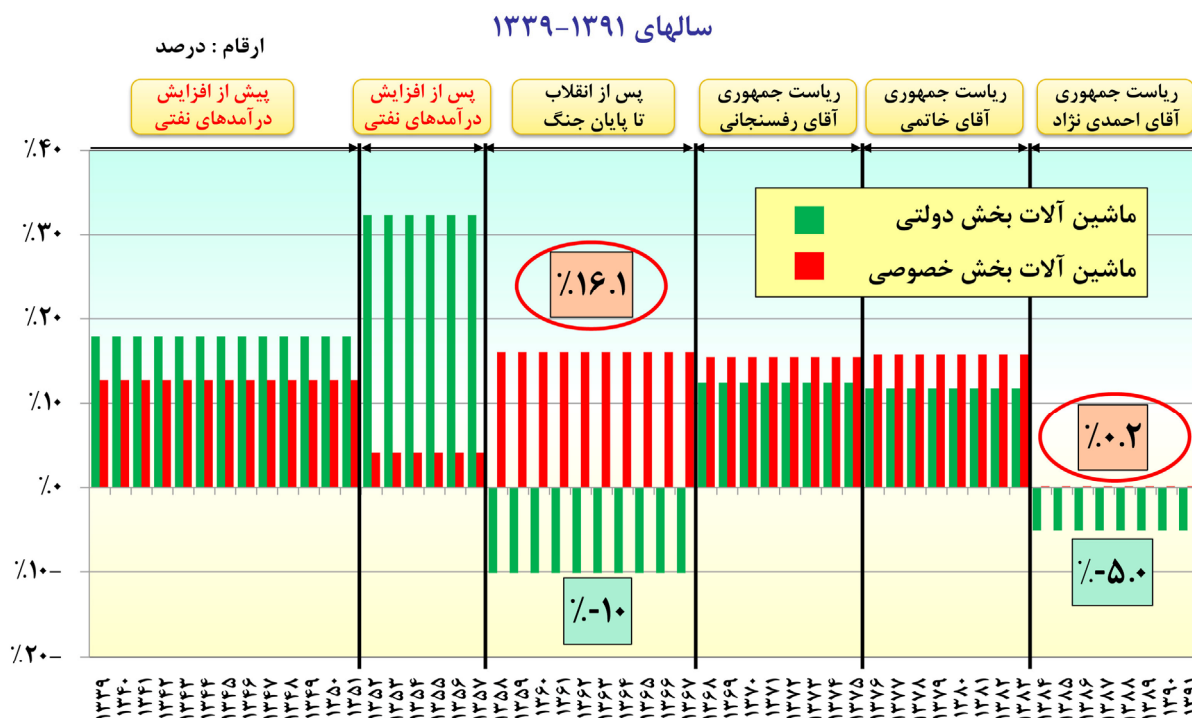
بخش‌های مولد، در سال‌های پایانی دهه ۷۰ نیز مجدداً این تولیدکنندگان به یاری کشور آمدند، اما از سال ۱۳۸۲ دوباره با بی‌مهری روبه‌رو شدند و پس از آن با ازدست‌رفتن سرمایه اجتماعی و اعتماد، دیگر تحرکی را در کشور شاهد نیستیم. از دیگر اقدام‌های بسیار باارزش در این دوران، کاهش واردات کالاهای مصرفی، با وجود رشد تقریباً اندک مثبت واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه است که در گزارشی دیگر به این موضوع به طور مفصل‌تر خواهیم پرداخت. همه این موارد نشان‌دهنده سیاست‌های حمایت‌گرانه از تولید کشاورزی و صنعتی و توجه تصمیم‌سازان این دوران به بخش‌های مولد و انگیزه بالای بخش خصوصی برای فداکاری در راه منافع ملی و سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات حتی در دوران جنگ تحمیلی بوده است.

نمودار شماره ۱۱- متوسط رشد سالیانه ارزش افزوده بخش ساخت صنعتی به قیمت ثابت با میانگین حسابی



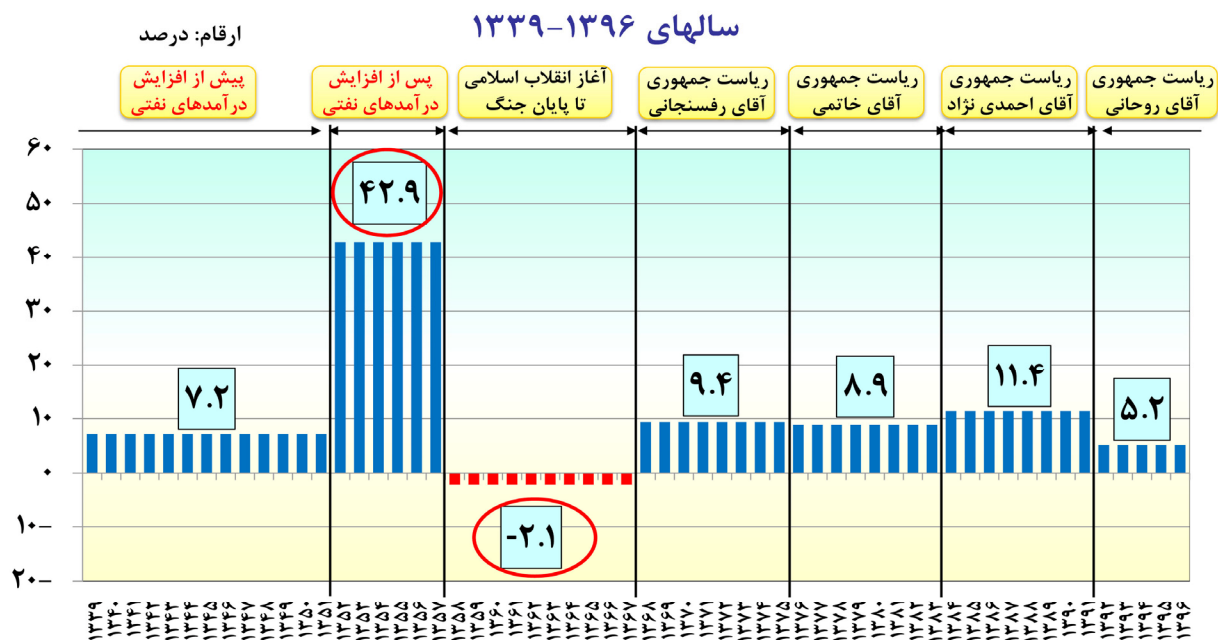
منبع: ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. آمار و داده‌ها. حساب‌های ملی ایران. حساب‌های ملی سالانه. سری زمانی حساب‌های ملی ایران بر اساس سال پایه ۱۳۸۳ (سالهای ۱۳۳۹-۱۳۸۳)
 ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. آمار و داده‌ها. حساب‌های ملی ایران. حساب‌های ملی سالانه. سری زمانی حساب‌های ملی ایران بر اساس سال پایه ۱۳۹۰ (سالهای ۱۳۸۴-۱۳۹۶)

نمودار شماره ۱۲- متوسط رشد سالیانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ماشین آلات به قیمت ثابت ۱۳۸۳ با میانگین حسابی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و داده ها، حسابهای ملی ایران، حسابهای ملی سالانه، سری زمانی حسابهای ملی ایران بر اساس سال پایه ۱۳۸۳ (سالهای ۱۳۳۸-۱۳۹۱)

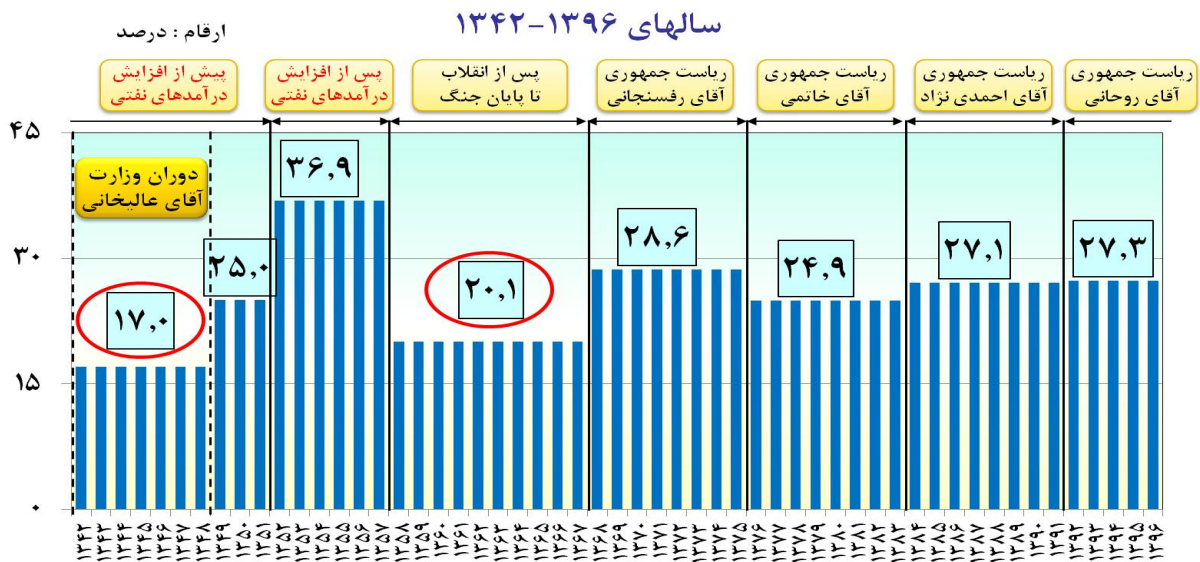
نمودار شماره ۱۳- متوسط رشد ارزش دلاری واردات گمرکی کالاهای مصرفی با میانگین حسابی



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری های زمانی، بخش خارجی، بازرگانی خارجی گمرکی (سالهای ۱۳۳۹-۱۳۹۶)

از دیگر موارد مشترک در میان دوران جنگ تحمیلی و دوران وزارت دکتر عالیخانی، متوسط رشد سالانه پایین نقدینگی در این دو دوره نسبت به دیگر دوره‌هاست. آنچه باید درباره دوره مسئولیت دکتر عالیخانی بیان کرد، این است که این دوره با وجود کسب کمترین میزان رشد نقدینگی نسبت به دیگر دوره‌ها، بالاترین میزان رشد اقتصادی و کمترین میزان نرخ تورم را ثبت کرده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت در این دوره به علت وجود کیفیت در نقدینگی که به رشدهای اقتصادی بالا انجامیده، اما به تورم‌های افسارگسیخته در کشور منجر نشده است. اما در دوره‌های دیگر به علت تمرکز نکردن تصمیم‌سازان بر بخش‌های تولیدی و صنعتی و توجه نکردن به کیفیت نقدینگی و چرخش آن در اقتصاد، رشد نقدینگی با وجود عدم کسب رشدهای اقتصادی بالا، به تورم‌های بالا منتهی شده است. از دیگر موارد درخور توجه درباره رشد نقدینگی، رشد کمتر این متغیر در دوران جنگ تحمیلی است که تصمیم‌سازان اقتصادی کشور نسبت به دوره‌های صلح و غیرجنگ، با وجود شرایط اضطراری و نامناسب این دوران، کنترل بیشتری بر خلق پول در کشور داشته و صرفاً با خلق پول در پی اداره اقتصاد جنگ نبوده‌اند. از موارد مشترک بین این دو دوره، تمرکز تصمیم‌سازان بر بخش‌های تولیدی و صنعتی بوده است. آنچه این دوره را از دوره پیش برجسته‌تر می‌کند، تمرکز بر زنجیره‌ها و حلقه‌های مفقوده صنایع ایجاد می‌کند که به انتخاب طرح‌های بنیادی مهم صنعتی و مورد نیاز در این دوره منجر شد. علاوه بر این، توجه به اقتصاد مقیاس که بسیار ضروری است و در دوره پیش نسبت به آن غفلت شده بود، در این دوره مدنظر تصمیم‌گیران قرار گرفت. اما با شروع برنامه اول توسعه و تکیه بر استدلال‌های عوام‌گرایانه از قبیل «ایجاد رقابت»، با هدف رواج کتوله‌پروری، این مهم به فراموشی سپرده شد و اکنون مشاهده می‌شود کشور در باتلاق تعداد بسیاری از واحدهای مشابه و تکراری بیهوده گرفتار شده که در گزارش مستقل دیگری به این موضوع خواهیم پرداخت.

نمودار شماره ۱۴- متوسط رشد سالیانه نقدینگی با میانگین حسابی در ایران



منبع : ۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۴۸، بخش بانک، میان بخش خصوصی، جدول ۱۱ (سالهای ۱۳۴۰-۱۳۴۷)
 ۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۵۸، بخش بانک، میان بخش خصوصی، جدول ۸ (سالهای ۱۳۵۱-۱۳۴۸)
 ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعاتی سری های زمانی اقتصادی، بخش متغیرهای بولی و اعتباری (سالهای ۱۳۵۲-۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری

امروزه مشکلات کشور بیماری لاعلاجی نیستند که نتوان آنها را درمان کرد، بلکه این مشکلات کاملاً قابل درمان هستند، اما حل آنها در گروی قبول این واقعیت است که ما نه کمبود منابع داشته‌ایم و نه اینکه موانعی برای پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه. بلکه منشأ شرایط نامطلوب امروز، به عدم استفاده از افراد صلاحیت‌دار حرفه‌ای و ضعف و فقر در دانش نظری کاربردی توسعه برمی‌گردد؛ کم‌اینکه در سال جدید با بارش‌ها و جاری‌شدن سیل، نتایج ناکارآمدی‌های ناشی از اهلیت‌نداشتن تصمیم‌گیران به‌وضوح آشکار شد. زیرساخت‌هایی که برای امنیت، بهبود زندگی و رفاه آحاد کشور و به‌اصطلاح برای رشد اقتصاد با هزینه‌های کلان احداث شده بود، به منظور حفظ جان همان مردم مجبور شدند منفجر کرده و بعضاً زیرساخت‌ها را نابود کنند! باید پذیرفت که ما در مسیر توسعه (به جز در سه دوره یادشده که اعتماد اجتماعی به عمل و قول تصمیم‌گیران کشور بالا بود) دانش کافی نداشته‌ایم و نظام تصمیم‌گیری اقتصادی ما دچار رویه‌ای ناپیوسته برای بهره‌گیری از افراد دارای اهلیت حرفه‌ای بوده است.

در حال حاضر، کشور با پارادوکس حجم عظیم منابع مالی در دسترس و حرکت کند آن به سوی فعالیت‌های مولد روبه‌روست و کانون اصلی بخش بزرگی از گرفتاری‌های امروز، همین تبدیل‌نکردن یا روند بسیار آهسته تبدیل‌داری‌ها و منابع مالی موجود به سرمایه‌های تولیدی است. پس از گذشت ۷۰ سال از شروع برنامه‌های توسعه در کشور، قواعد بازی حاکم بر اقتصاد ما در وضعیتی قرار دارد که همچنان این بستر فراهم نشده و شاهد این واقعیت هستیم که بخش‌های نامولد ما بیشتر از بخش‌های مولد پاداش دریافت می‌کنند. نبود تمرکز در ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی و بهره‌نگرفتن از افراد صلاحیت‌دار حرفه‌ای، قراردادن پایه‌های موتور خلق ثروت بر فعالیت‌های نامولد و رانتی به جای نوآوری و فعالیت‌های مولد، بی‌اصالت‌ترشدن ماهیت ثروت در کشور و در نهایت همسوزن‌بودن سیاست خارجی با سیاست اقتصادی، ریشه اصلی همه مشکلات حوزه اقتصادی ما را تشکیل می‌دهد.

همان‌طور که رهبری بارها تأکید کرده‌اند، قطعاً توانایی فائق‌آمدن بر مشکلات و وضع نامطلوب کنونی وجود دارد، اما دیگر این‌گونه نظام تصمیم‌گیری از سوی قوای سه‌گانه- در زمینه اقتصاد- نمی‌تواند تحولی پایدار در کشور به وجود آورد و این ضعف به‌وسیله کشورهای طرف تجارت ایران و همچنین در دوران اخیر برای تحریم‌کنندگان خصوصاً تورز کاملاً شناخته شده است. از این‌رو برای برون‌رفت از وضعیت کنونی کشور باید به بازبینی جدی و عمیق این قواعد بازی ترسیم‌شده پرداخت و از جمع خرده‌دانش‌ها و تجربیات افراد منتخب اقتصادی استفاده کرد. باید طرحی نو در انداخت. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.

۱- برای اطلاع از جزئیات دقیق‌تر این ارقام به گزارشی که در روزنامه «شرق» در ۹ دی‌ماه ۱۳۹۷ با نام «صنعتی‌شدن نیم‌بند و بن‌بست در ایجاد ظرفیت‌های جدید اشتغال» چاپ شده است، رجوع شود.